

وسعت ایران

ک سیمایم، زوایای مختلف آن را بررسی کرده‌ایم

معمولی واقعی است و با بحران خانواده‌های معمولی روبه‌روست.

از مجازی تا بلاگری

نکته دیگر پایتخت، اشاره به برخی مسائل آشنا برای مخاطبان است. سابقه چنین اشاراتی را می‌توان در برخی ویژه‌برنامه‌های شبکه‌های مختلف تلویزیون

می‌کند اتصال برادبند و برادکست را برقرار کند. در مورد پایتخت نیز، همین اتفاق افتاد. برجسته‌ترین نمونه آن استفاده از نام قاتل زنجیره‌ای یعنی کلثوم اکبری بود که در فصل جدید پایتخت در قامت معامله‌کننده شهاب‌سنگ ظاهر شد. می‌توان تصور کرد که با آوردن نام این زن، مخاطب چطور با قهقهه‌ای پاسخ درایت تولیدکنندگان پایتخت را داده است. مثال دیگر، استفاده از بازیگری است که نقش سالار معمولی را ایفا می‌کند و پیش از این به‌واسطه ویدئوهایی شناخته‌شده بود. البته عوامل پایتخت پیش از این هم دست به چنین اقداماتی زده بودند و پسر جوانی را به‌عنوان بازیگر اضافه کردند که با جمله «شیب، بام؟» به شهرت رسیده بود. انتخاب او به‌عنوان بازیگر، توانست تمام واکنش‌های منفی به جملات پیشین او را

بشوید و او را دوباره به فضای مجازی معرفی کند. بخش دیگری از این هوشمندی پایتخت، معطوف به نقدهای به جایی است که به برخی مسائل مرتبط با فضای مجازی صورت گرفته است. به‌عنوان مثال، عمل‌های زیبایی و چالش‌های بلاگرهای امروزی که با دیالوگ‌های نمکین بهتاش، قلب خود را برای مخاطب انداخت. نقدهای پایتخت به کتاب‌خوان‌های ظاهری و قرار دادن پیانو برای بالا بردن سطح ظاهری خانواده هم از دیگر کنایه‌هایی است که توانسته در کنار مطرح‌شدن در پیام طنز، نقد خود را به مخاطب منتقل کند.

یک ایران بزرگ فرهنگی

اما پایتخت علاوه بر توجه به سرگرمی برای انتقال پیام خود به مخاطب، به سمت تمدن

و ایران فرهنگی هم رفته و این بار مهمانانی از تاجیکستان را برای پیشبرد قصه خود انتخاب کرده است. پیوند قصه داماد تاجیکی نفی معمولی با خرده‌روایت‌های دیگر هرطور که باشد، قطعاً توانسته بار دیگر نزدیک بودن فرهنگ ایران و تاجیکستان را به یکدیگر بیادآور شود. کما این‌که ارسطو هم در یکی از دیالوگ‌های خود به طنز می‌گوید که تاجیکی خارجی نیست، چون تاجیکستان پیش از این بخشی از ایران بوده است. با این حساب، باید این‌طور گفت که پایتخت ۷ تبدیل به یک هزارتو شده تا بتواند در هر بخش خود، پیام متفاوتی را به مخاطب منتقل کند؛ پیامی که گاهی نقدی است به فضای مجازی و گاهی یک مسأله مهم را گوشزد می‌کند.

شناخت موقعیت طنز

رامسین پورا-ایمان، بازیگر پیشکشکوت، باتأکید بر اهمیت طنز ارزشمند در تلویزیون، مجموعه پایتخت را یکی از خوشنام‌ترین سریال‌های دنباله‌دار ایران دانست. وی با بیان این‌که مخاطب به طنز نیاز دارد و باید اثری ارزشمند و محترم به او ارائه شود، گفت: مجموعه پایتخت تا امروز که به فصل هفتم رسیده یکی از خوشنام‌ترین سریال‌های تلویزیون است و ما از این دست سریال‌ها که دنباله‌دار باشد انگشت‌شمار داریم. وی افزود: تجربه نشان داده معمولاً سریال‌های دنباله‌دار با افت کیفیت مواجه می‌شوند اما سیروس مقدم، کارگردان سریال با دقت و وسواس زیادی که در شخصیت‌پردازی هر سری داشته، توانسته در هر فصل بامزه‌تر و پرمحتواتر جلو برود.

های بومی

در سریال پایتخت راه‌دلیل ترکیب صر بومی شمال ایران تحسین بن مجموعه از گویش مازندرانی مونه‌ای از طنز «آموخته و دور از خانواده‌ای متوسط را با صداقت بومی و استفاده از گویش منطقه خاخرطیف‌های بومی و فیلمنامه‌ای مردم قرار گرفته‌است. وی افزود: ثابت‌که در همه فصول هستند، متعارف به دور بوده و درعین ران نیز به آنها آموزش دهد.



کاظم نوربخش، بازیگر تلویزیون با اشاره به نقش کلیدی نویسنده و بازیگران در جذابیت این سریال، تأکید کرد: وقتی مخاطب خودش را در قصه می‌بیند، ادامه‌دار شدن آن حتمی است.

وی گفت: خودم بازیگر هستم، می‌دانم تمام کارهایی که تولید می‌شوند چقدر زحمت دارند و هرکاری که می‌خواهد تا دل مردم ایران را شاد کند برای من قابل احترام است (فرقی ندارد پایتخت باشد یا نون خ یا چرخ گردون و هر اثر دیگری). پایتخت را دوست دارم، چون کار طنز است و همه بازیگرانی که در این مجموعه نقش آفرینی می‌کنند این کاره هستند و سختی‌های بسیاری می‌کشند که یک سکانس آماده شود تا مردم ببیند و در خانه‌های‌شان لذت ببرند.



نگاه

سریال شخصیت‌ساز



در دنیای قصه‌پردازی، «شخصیت» ستون فقرات هر روایت است اما آیا تحول شخصیت به معنای تغییر ماهوی است یا شکوفایی همان ذات اصیل؟ سریال پایتخت با خلق چهره‌هایی ماندگار مانند نقی، ارسطو و هما - بدون واداشتن آنها به دگردیسی ناگهانی - نشان داد که هویت‌مند بودن شخصیت‌ها در بستر مکانی و زمانی درست، از هر «تحول تصنعی» اثرگذارتر است. در هر داستانی اعم از قصه، افسانه، رمان، فیلم و... مهم‌ترین عنصر و مؤلف داستان چیزی نیست غیر از «شخصیت». قطعاً هنر و ادبیات به رمان، درام و فیلم خلاصه نمی‌شوند، وانگهی، ساختن شخصیت به هیچ‌وجه آسان نیست اما هر کسی که می‌خواهد داستانی را روایت کند، چاره‌ای غیر از این ندارد. اگر بخواهیم ادعا کنیم مهم‌ترین مزیت و توفیق مجموعه سریال‌های پایتخت، ظرفیت و توانایی آن در ساختن و به نمایش درآوردن شخصیت بوده، باید قبل از آن به یک سؤال جدی فکر کنیم؛ آیا شخصیت‌هایی نظیر نقی معمولی، ارسطو، هما و... در طول شش فصل قبلی دچار «تحول شخصیت» جدی شده‌اند یا نشده‌اند؟ یا دقیق‌تر این‌که، آیا اصلاً باید دچار تحول شخصیت (به همان معنای مورد ادعای درام غربی) می‌شدند؟! یا نه، وقتی خوب دقت می‌کنیم آدمی مثل نقی یا ارسطو، نه واقعا دچار تحول شخصیت شده و نه اصلاً نبوده که بشود؟! اتفاقی که به نظر نگارنده، حتی در سریال‌هایی چون «بریکینگ بد»، «نقابداران» و... هم برای قهرمانان داستان نیفتاده است! و شخصیتی مثل ارسطو برخلاف تصور و ادعای خودش، نه تنها همان آدم سابق، بلکه ارسطوی اسبق است! پس سؤال اصلی ما این می‌شود که با توجه به آغاز پخش فصل هفتم سریال پایتخت، شخصیت‌سازی چه اهمیتی در دنیای فیلم و سریال سازی دارد و شرایط اصلی‌اش چیست؟ به دلایل بسیاری، می‌توان نخستین کارکرد هر اثر هنری

کار گروهی موفق



کیانوش گرامی، بازیگر پیشکشکوت سینما و تلویزیون، موفقیت چشمگیر سریال پایتخت را مرهون سه عامل کلیدی دانست: نویسندگی قوی، کارگردانی متفاوت سیروس مقدم و بازی‌های حرفه‌ای بازیگران. وی حفظ انسجام گروه و خلاقیت در خلق موقعیت‌های طنز اصیل ایرانی را راز ماندگاری این اثر در هفت فصل عنوان کرد. وی نویسندگی و بازی‌های خوب و کارگردانی متفاوت سیروس مقدم را از عوامل موفقیت این مجموعه دانست و گفت: من که در سریال «مأمور بدرقه» با محسن تانبنده همبازی بودم این فرصت را داشتم که در فصل اول پایتخت هم با سیروس مقدم کار کنم. وی براین باور است که اگر سریال به فصل هفتم رسیده در گروه خوب و منسجم آن بوده است. این بازیگر با سابقه اظهار کرد: نویسنده با ترسیم موقعیت‌های طنز همیشه حرف اول را در این سریال می‌زند و مخاطب هم با شناختی که از شخصیت‌های ثابت سریال دارد دنبال یک قصه قرص و محکم بوده که شاهد آن است.

را تلاش در راستای بازآفرینی جهانی دوباره دانست اما نکته اینجاست که جهان واقعی ما نیز به‌رغم پیچیدگی‌ها و کثرت فراوان خود، براساس مبانی و اصولی بسیار ساده خلق شده و شکل گرفته است. مثل میلیاردها در میلیارد دانه‌های برقی که بلورهای هیچ‌کدام‌شان شبیه یکدیگر نیست اما نهایتاً تمامی آنها از قطرات ساده آب ایجاد شده‌اند و وقتی دوباره آب می‌شوند هیچ تفاوتی با یکدیگر نخواهند داشت.

سریال پایتخت توانسته شخصیت بسازد و شخصیت بگیرد. شخصیت‌هایی که قبل از هر چیز مکان‌مند و زمان‌مند هستند. ایرانی و معاصر. این را نباید دست‌کم گرفت. این سه عنصر است (شخصیت، مکان و زمان) که وقتی در یک اثر هنری درست شکل گرفتند و بازآفرینی شدند، «رویداد»‌ها را نیز هویت‌مند می‌کنند. ما همواره خیال می‌کنیم که فقط این شخصیت‌های یک داستان هستند که باید هویت‌مند باشند.

در صورتی که تا یک داستان به هویت مکانی و زمانی (جغرافیا و تاریخ) نرسد، نمی‌تواند شخصیت‌هایی واقعی و اصیل خلق کند و از همه مهم‌تر، اصلاً نمی‌فهمد که «رویداد» و ماجراها نیز هویت‌های ایرانی و غیرایرانی دارند! نقی، هما، ارسطو، فهیمه، رحمت و... هیچ‌یک از بازیگران شخصیت‌های اصلی سریال پایتخت در اصل مازندرانی نیستند اما در بخش عمده‌ای از ماجراهای شش فصل قبلی (مخصوصاً فصل دو، سه و چهار) در متن رویدادها و ماجراهایی دارای هویت زمیست مکانی و زمانی (تاریخ و جغرافیا، ایرانی و معاصر) بوده‌اند.

آفرینش جهانی دوباره که زیست جهان ایران معاصر را آینگی می‌کند. از مسأله مسکن گرفته تا مرکز و حاشیه، ازدواج، مرگ و زندگی، روابط خانوادگی، اعتیاد، ورزش و غرور ملی، انتخابات، پلیس و قانون، سبک زندگی، داعش و... پایتخت در طول ماجراهای داستان خود نه صورت مسأله‌ای را حذف و سانسور می‌کند و نه دست به بزرگمایی خاصی می‌زند. فقط جهانی دوباره (هرچند در ابعادی کوچک‌تر) را از ایران معاصر بازآفرینی کرده و در برابر مخاطبان معاصر خود قرار داده که عملیات سیطره رسانه‌های صهیونیستی حاکم بر جهان از همین ایران معاصر را خیلی جدی نگیرند. یا حتی به آن بختند.

ایران‌شهر



بررسی طرح ملی «هفته‌های ایران» در خوزستان

جلسه بررسی طرح ملی «هفته‌های ایران» با حضور شورای معاونین رسانه ملی و مدیران ارشد سازمان صداوسیما در استان خوزستان برگزار شد. در این نشست که با هدف ارزیابی و برنامه‌ریزی برای معرفی ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی استان‌های مختلف کشور برگزار شد، مهدی مجتهد و دیگر معاونان کلیدی سازمان حضور داشتند. در این جلسه، آثار منتخب و تولیدات مرکز خوزستان با محورهای فرهنگی، قرآنی، گردشگری و اقتصادی به نمایش درآمد که نشان‌دهنده تنوع و غنای فرهنگی این استان بود. همچنین، مدیرکل مرکز خوزستان گزارشی از روند تولید برنامه‌ها و تأثیرات رسانه‌ای آنها ارائه داد که با استقبال معاونان و مدیران حاضر مواجه شد. طرح هفته‌های ایران به‌منظور معرفی جامع توانمندی‌های استان‌ها از طریق رسانه ملی طراحی شده و در دستور کار معاونت امور استان‌ها قرار دارد.

سیمایم

بازخوردهای مثبت «با عرض معذرت»



محمدرضا حاجی‌غلامی، کارگردان سریال کمدی با عرض معذرت، با اشاره به استقبال بالای مخاطبان از این مجموعه، اعلام کرد که آمار بازدیدها از حد انتظارش فراتر بوده است. این سریال که چهارمین تجربه حرفه‌ای حاجی غلامی است، نخستین کار او در حوزه طنز آئیمی به شمار می‌رود. وی با اشاره به چالش‌های این فرمت، تأکید کرد که تولیدات آئیمی در تلویزیون با کاهش مواجه شده و بیشتر به فضای مجازی منتقل شده‌اند. حاجی غلامی همچنین با اشاره به اهمیت معرفی استعدادهای بومی در مشهد و انتخاب بازیگران محلی، گفت که ترکیب این هنرمندان با چهره‌های شناخته‌شده، جذب مخاطب را تسهیل می‌کند. او با انتقاد از ضعف‌های فیلمنامه در آثار کمدی، خواستار حمایت از نویسندگان و برنامه‌ریزی برای پرورش استعدادهای جدید در این حوزه شد و بیان کرد که مسائل اقتصادی مانع ورود استعدادهای جوان به عرصه نویسندگی است.

مکت

گمنامی در جهاد سازندگی



مصطفی دالایی، مستندساز و فیلمبردار مجموعه مستند «روایت فتح»، به یادآوری خاطراتی از شهید سیدمرتضی آوینی پرداخت و بیان کرد: در بین بچه‌های جهادی تلویزیون، رسم نبود کسی دنبال نام و نان باشد. فضای کار به گونه‌ای بود که بحث مالی و نام طلبی مطرح نمی‌شد. انتهای برنامه‌ها تنها جمله «تهیه شده در گروه جهاد سازندگی» نوشته می‌شد و حتی نام آوینی نیز در آن زمان ذکر نمی‌شد. دالایی به مهارت آوینی در نوشتن متن‌ها و خوانش نریشن‌ها اشاره کرد و افزود: صدای خاص ایشان در نریشن‌ها، روح و جان به آثار می‌بخشید. بسیاری از مخاطبان، بعد از دیدن فیلم‌ها، اورا نمی‌شناختند و نمی‌دانستند این دو شخصیت یکی است. آوینی کمتر در فیلمبرداری دخالت می‌کرد و فیلمبرداران مانند کارگردانان عمل می‌کردند. این مستندساز با بیان این‌که بچه‌ها هیچ‌گاه دنبال عنوان و مقام نبودند، گفت: آنها در خط مقدم، به دور از وابستگی‌های دنیایی، عشق و خلوص را به تصویر می‌کشیدند.